

# روایهای انقلابی

## جایگزین گمراه کننده

### آگاه سازی توده ها

ب. آ. پوگاچیف  
ترجمه و تلخیص: ک. رحمانی

#### نخست درباره اصطلاحات

1- مبارزه کمونیست ها انقلابی است. این یکی از بدیهیات است- کمونیست ها بمثابة بخشی از طبقه کارگر در راستای دگرگونی جامعه، یعنی انقلاب پیکار می کنند. اما «استراتژی انقلابی» دارای دو نشان است- یا آن استراتژی است که در آن تحولات انقلابی و بنیادی روی می دهند (در تحولات تکنیکی و جامعه)، یا استراتژی متخذه در انقلاب های مسلحانه (در خطوط کلی همه انقلاب های گوناگون که استراتژی هر یک از آنها خود ویژه است، گذشته از خصایص کلی، خصایص مخصوص خود وجود دارد).

با توجه به این ویژگی ها معنایی، برای کاربرد درست تر استراتژی، توسط کمونیست ها اصطلاح «استراتژی مبارزات انقلابی طبقه کارگر» اتخاذ شد.

2- استراتژی - اصطلاحی است از حوزه نظامی و به معنی «عالی ترین رشته هنر نظامی» (فرهنگ دانشنامه شوروی 1983). مسائل تئوری و پراتیک تدارکات نیروهای مسلح برای جنگ، برنامه ریزی و اداره آن را در بردارد، قانونمندی های نظامی را پژوهش می کند، روش و اشکال تدارک و اداره عملیات استراتژیک را تدوین، اهداف و وظایف جبهه، ناوگان و ارتش را برآورد و نیروها را در عرصه عملیات نظامی و خطوط استراتژیک تعیین و توزیع می کند.»

در خاطرات ژنرال ا. بریلی سردار آمریکایی جنگ دوم جهانی، استراتژی شوروی به بازی شطرنج تشبیه می شود، یعنی اشاره ای است به حسابگری آن. تجربه جنگ کبیر میهنی نشان داد که پیروزی های واقعی هنر استراتژی متکی بر محاسبه واقع بینانه علمی و خلاقیت الهام آمیز سرداران جنگی است.

استراتژی مبارزات انقلابی دارای خصایص مناسب با خطوط استراتژی های نظامی است. به چنین اصطلاحاتی اشاره می کنیم.

- 1- اهداف و وظایف استراتژیکی
  - 2- اوضاع استراتژیکی، ابتکار عمل استراتژیکی
  - 3- مخالفین و متحدین استراتژیکی
  - 4- نیروها و ذخیره های استراتژیکی
  - 5- مراحل تکامل اوضاع استراتژیکی
  - 6- عرصه و سمت و سوی استراتژیکی
  - 7- فاکتور اخلاقی- سیاسی در استراتژی
- استراتژی مبارزات انقلابی طبق تجربه گذشته

1- اهداف سیاسی و وظایف انقلاب در بلوغ و پختگی تضادهای طبقاتی ارزیابی و در برنامه معین احزاب به اهداف نزدیک تر - دستاوردهای حاکمیت سیاسی طبقه کارگر و اهداف دورتر، برنامه حداکثر - ساختمان سوسیالیستی و سپس جامعه کمونیستی تقسیم می شوند. همه فعالیت های در پیوند با اهداف بالا، در دستیابی به اهداف و وظایف بینابینی در ارتباط با مرحله انقلاب عملی بکارگرفته می شوند. مهمترین مؤلفه هنر استراتژیکی - تعیین مرحله در روند مبارزات در حال وقوع، یعنی ارزیابی اوضاع استراتژیکی است.

2- آموزش لنینی درباره وضع انقلابی در خطوط کلی آموزش ارزیابی اوضاع استراتژیکی در مبارزه سیاسی است. وضع انقلابی مراحل تکامل خود را طی می کند. وضع عمومی انقلابی - زمانی که عدم تناسب مناسبات اجتماعی سطح نیروهای تولیدی تضاد را تا چنان مرحله ای شدت بخشد که «بالایی ها نتوانند رهبری کنند و پایینی ها نخواهند به شیوه سابق زندگی کنند». بدتر شدن سطح زندگی پایینی ها بیشتر از حالت عادی اوضاع را بحرانی تر و وضع مستقیم انقلابی را که در نهایت امر می تواند به انفجار انقلابی - انقلاب ها پایان یابد، نزدیک می کند. اصطلاحات «بالایی ها» و «پایینی ها» یاد شده در بالا ما را به مفهوم نیروهای استراتژیکی سوق می دهند.

3- ارزیابی صف آرای نیروهای طبقاتی در جامعه، خصلت مسلم و جدا نشدنی تحلیل اوضاع استراتژیکی است. نمونه چنین تحلیلی آثار لنین و .. است. در یک مرحله انقلاب، طبقه کارگر به همراه تمامی دهقانان با تزار و ملاکین مخالفت کردند. در مرحله دیگر انقلاب کارگران به همراه دهقانان تهیدست با خنثی کردن دهقانان میان حال با بورژوازی بزرگ و میانه مخالفت کردند، سپس در اتحاد با دهقانان تهیدست و دهقانان میان حال با کولاک ها مبارزه کردند. صف آرای طبقاتی نیروها با صف آرای سازمان های سیاسی این طبقات که بیانگر منافع طبقاتی آنان بودند، مطابقت داشت. مخالفین گاهی سلطنت طلبان و گاهی کادت ها (اعضای حزب مشروطه خواه دمکرات)، گاه اس ارها - در آغاز راستگرا و سپس بخش چپ های منشویک ها - بودند. در این رابطه لنین در مقاله «مارکسیسم و قیام» می گوید:

« قیام برای اینکه قرین موفقیت گردد باید نه به توطئه و نه به حزب بلکه به طبقه پیشرو متکی باشد. اولاً، قیام باید به شور انقلابی مردم متکی باشد. ثانیاً، قیام باید به چنان نقطه عطف در تاریخ انقلاب در حال اعتلاء متکی باشد که در آن فعالیت گروه های پیشرو و مردم بحد اکثر خود رسیده باشد و تزلزل صفوف دشمن و صفوف دوستان ضعیف و دودل و نیم راه انقلاب از هر وقت دیگر شدیدتر باشد.» (لنین آثار منتخب در دوازده جلد. ج 6. ص 144\_145.)

4 - نیرو ها و ذخیره های استراتژیکی در روند انقلاب دستخوش دگرگونی ها می شوند. مبارزه در زمان و مکان صورت می گیرد. در پروسه فعالیت ها دگرگونی موقعیت طبقات و سازمان های سیاسی آنان روی می دهد. چنانکه پایان جنگ میهنی در روسیه پایه و اساس اتحاد کارگران و دهقانان را دگرگون ساخت.

دهقانان بدون اینکه بیمی از بازگرداندن زمین های بدست آمده از حکومت شوروی به ملاکین داشته باشند، برای سختی کشیدن تقسیمات آذوقه آمادگی از خود نشان ندادند. بدین ترتیب خطر گذار آنها از ذخیره انقلاب به ذخیره ضدانقلاب که در شورش کروئشتاد بروز کرد، بوجود آمد.

همچنین در جریان جنگ میهنی دینامیک وضع ذخیره ها زمانی که ضدانقلاب کمک انسانی و تسلیحاتی از کشورهای آنتانت دریافت کرد، ظاهر گردید و انقلاب از پشتیبانی اقدامات مشترک پرولتاریای جهانی برخوردار شد.

ساختار نیروهای انقلابی: 1- حزب 2- پرولتاریای پیشاهنگ 3- اکثریت پرولتاریا 4- توده های زحمتکش 5- مردم

«تسمه های انتقال»، «چرخ دنده های» ارتباط حزب با توده ها: اتحادیه ها، شوراها، سازمان های جوانان، زنان و دیگر سازمان های اجتماعی.

5- مراحل انقلاب را همانند مراحل فعالیت های نظامی می توان چنین ارزیابی کرد: دفاع استراتژیکی، مواضع دفاعی فعال، تعرض متقابل، تعرض، وقفه استراتژیکی. هر مرحله ای با اشکال و متد های مبارزه خود، با اشکال سازمان های طبقه کارگر خود و حزب

آن تطبیق می‌کند. چنانکه مبارزه اقتصادی، بنا بر ارزیابی و نظریهٔ مارکسیست‌ها تدافعی است و وظایف دفاع از طبقه کارگر را همزمان با وظایف تدارک و شکل‌گیری ارتش سیاسی انقلاب، انجام می‌دهد.

در این مرحله اشکال کارها - به ویژه (بیشتر در مرحله نخست) تبلیغاتی و سازماندهی است: پیش‌قراولان، تظاهرات، اشکال سازماندهی طبقه در اتحادیه‌ها (احزاب طبقه کارگر برای نفوذ خود در آنها، برای استقلال سیاسی طبقه و علیه انحراف آن در مسیر همکاری اجتماعی است). اشکال سازماندهی احزاب همانا بر تبلیغ مبارزهٔ طبقاتی سمت‌گیری شده‌اند، کار پروپاگانداست‌ها را متحد و هدایت می‌کنند و شرایط مادی: تکنیک چاپ، رسانه‌های گروهی، شبنامه‌ها را فراهم می‌آورند.

گذار به اعتصاب‌های سیاسی، راه‌پیمایی‌های توده‌ای - اقداماتی است تعرضی، در درجه اول اهمیت سازمان‌های کارگری در مقیاس طبقه، شکل‌گیری اعتصابات متحد، شوراها، تدارک شکل‌گیری ساختار اعمال زور طبقه، شکل‌گیری دسته‌های حفاظت‌کننده اعتصاب‌کنندگان و راه‌پیمایان قرارداد.

در مرحله مستقیم وضع انقلابی، مثلاً در سپتامبر - اکتبر سال 1917 در حزب بلشویک‌ها ارگان‌هایی مانند کمیسیون نظامی و سپس در جریان خود انقلاب - کمیته‌های نظامی - انقلابی - «کمیسیون‌های انقلابی» و شوراها نظامی انقلابی با نهاد کمیسیریا‌های آنها که با اختیارات و اعتبارنامه‌های لازم در همه ساختار طبقه کارگر و ساختارهای ماشین دولتی برای درهم شکستن آن و کسب اهرم‌های دولتی در دست کارگران ابلاغ شده بود، دیگر شکل گرفته بودند. البته نیروی اعتبارنامه‌ها متکی بر نیروی سازمان‌ها و تجهیز طبقه کارگر بود. هنر ارزیابی مرحله و اشکال مقتضی مبارزات و سازماندهی آن امکان تعیین و لحظه‌گذار از مرحله‌ای به مرحله دیگر و فاکتور زمانی فعالیت‌ها را می‌دهد. چنانکه مارکس در سال 1870 به انقلابیون فرانسه از حرکت نابهنگام، کوتاه‌اندیشانه، خودانگیخته تا نضج اوضاع انقلابی در ولایات هشدار داد.

لنین بنحو احسن در ژوئیه سال 1917 این فاکتور زمانی را در نظر گرفت: در پتروگراد برآمد خود انگیخته توده‌ها در فراخوان به هنگ مسلسل میسر شد که در چارچوب تظاهرات صلح آمیز مسلح اجرا شود، هر چند برای بدست گرفتن حکومت در پایتخت نیرو به اندازه کافی وجود داشت. اما در ولایات اوضاع در برخی ایالات مانند ایوانوو-وزنیسنسک، جایی که شوراها بلشویکی در عمل حاکمیت خود را اعمال می‌کردند، نضج یافت، در دیگر نواحی هنوز کادت‌ها، اس‌ار‌ها و منشویک‌ها حاکمیت را می‌گرداندند. ارزیابی لحظه اقدامات استراتژیکی، مهمترین عنصر هنر استراتژی است.

6- اهمیت کامل ارزیابی نقش عرصه‌ها و جهت‌های استراتژیکی بخوبی در نمونه وضع سیاسی در روزهای ژوئیه سال 1917 مشاهده می‌شوند. تظاهرات تنها در پایتخت، با همه اهمیت آن، تعیین‌کننده در همه انقلاب‌ها نبوده است، تحول در ولایات، در جبهه‌ها و همچنین کمیته‌های سربازان جبهه ضروری بود.

چنانکه اگر در زمان تظاهرات اکتبر جبهه شمال تماماً در مواضع بلشویک‌ها بودند، جبهه رومانی هنوز برای دولت موقت بود و طیف مواضع جبهه‌ها گسترده بود. اما به علت دوری جبهه‌های رومانی و ماوراء قفقاز تاثیر آنها جنبی بود و بلوغ و پختگی آنها پس از بدست گرفتن حکومت در پیتر، مسکو و در دیگر نواحی کشور روی داد.

- نمونه عملکردهای استراتژیکی، متشکل از عملیات ابعاد کوچک به ما تحول اکتبر در پتروگراد و در مسکو را ارائه می‌دهد. مقایسه این دو عملکرد بمثابة اقدامات سیاسی امکان تقییک شرایط عملکردها را می‌دهد. این عملکردها در بسیاری موافق مطالبات لنینی نسبت به انجام قیام هستند.

مداخله لنین در پیتر موجبات تعیین مهلت اقدامات، شکل گیری ارگان های رهبری، تدوین طرح، انجام عملیات در زمینه پیروزی های فزاینده ه روزه را فراهم آورد. در زمان عملیات قاطعانه جلوی دودلی ها، ناپیگیری ها، انصراف از تثبیت های سازش طلبانه دومای پتروگراد، از برنامه ارضی اس ارها، متخذه کمیسرملی و جلب اس ار های چپ متحد گرفته شد. عملیات با دشواری های بزرگی روبرو بود، پاره ای از رهبران کمیته مسکو به ریاست نوگین، ضمن تمایل به اجتناب از خون ریزی، بین اقدامات قاطع و گفتگوهای صلح آمیز مردد بود، و نتیجه اینکه بر اثر تحول خون بسیاری ریخت تا تحول بدون خون ریزی در پیتر (شش نفر به هلاکت رسیدند).

نوگین (ویکتور پاولویچ، انقلابی حرفه ای و بلشویک) دوبار در انجام مذاکرات نظامی - سیاسی با سرهنگ اس ار، ریابتسیف (که در مسکو ریاست ساختارهای نظامی دولت موقت را به عهده داشت) در مورد موضوع تشکیل حکومت «همگون سوسیالیستی» همه نیروهای انقلابی - دمکراتیک و سوسیالیستی اصرار کرد. تحت پوشش مذاکرات، ضدانقلاب نیروها را در مسکو متمرکز کرد و پادگان انقلابی کرملین را به رگبار بست و برای تعرض وارد شورا شد.

بدین ترتیب اقدامات سیاسی مانند عملکرد نظامی مستلزم برنامه ریزی دقیق، پیگیری، استواری، قاطعیت و نرمشی را که در استراتژی لنینی در پتروگراد تجلی یافت، است. از همه موارد گفته شده در بالا ممکن است چنین به نظر برسد که اقدامات سیاسی - تنها عنصر وابسته به عملیات نظامی است. اما در عمل همچنان وضعیت برعکس است. مخصوصا عملکرد نظامی وابسته به عملکرد سیاسی هست، ضمن توجیه ارزیابی کلاوسویتس (شاگرد هگل) که جنگ ها بمثابة تداوم سیاست ها با ابزار نظامی هستند. به همین مناسبت شکل دادن به رابطه و موضع نسبت به مسئله خصلت قهرآمیز انقلاب ها لازم است. مارکس می گوید که او چیزی بیشتر از انقلاب مطلق العنان نمی داند، هنگامی که با قهر طبقه ای خود را از حکومت کنار بکشد و طبقه دیگر بقدرت برسد ...

**پس انقلاب قهرآمیز ممکن است با اعمال زور راه مبارزات مسلحانه و با تهدید اعمال زور راه مسالمت آمیز طی کند.** اما در هر حالت برای انقلاب در دسترس داشتن نیروی کافی یا امکان یافتن این نیرو ضرور است.

در طی سال 1917 لنین دوبار امکان **تکامل مسالمت آمیز انقلاب** را پیدا کرد: در سخنرانی کنگره اول شوراها و در آغاز سپتامبر سال 1917، پس از شکست کورنیلف. وی در مقاله «درباره سازش ها» سوم سپتامبر 1917 اذعان می دارد که هشدار درباره امکانات انتقال مبارزات انقلابی به مسیر مسالمت آمیز بخاطر سرعت دگرگونی اوضاع و بخاطر تاخیر ارتباط ها با کمیته مرکزی دیر شد، یعنی **فاکتور زمانی** طبق ارزیابی او نقش خود را بازی کرده است.

8- فاکتور اخلاقی - سیاسی در استراتژی. کاراکتر عینی انقلاب، نظریه مارکسیستی به اینکه انقلاب ها را نه قهرمانان، نه احزاب و حتی نه طبقات، بلکه مردم انجام می دهند، به ارزیابی اوضاع استراتژیکی با توجه به کیفیت های اخلاقی - سیاسی تمامی قشرهای مردم بدون پریدن مصنوعا از روی مراحل تکامل این کیفیت ها، چنانکه این مسئله توسط تروتسکی در تئوری انقلاب پرمماننت تصوری رفت، وادار می کند.

در جریان انقلاب **روشنگری توده ها** برپایه تجربه مشخص انقلابی آنان به مراتب شدیدتر روی می دهد و یک ماه مبارزه ارزش سال ها تکامل تاریخی آرام را دارد. اما نمی توان کم حوصله گی خود، تدارک شخصی خود برای انقلاب و **رویای شخصی** خود را بمثابة واقعیت به توده ها نسبت داد - ضمن کمک به باز شدن چشمان مردم و فعال کردن آنها در جریان مبارزات، واقعیت ها را لازم است که به توده رساند. در اینجا در مقابل پروپاگاندا، آژیتاسیون و فعالیت های تبلیغاتی در درجه اول اهمیت مطرح می شود.